

گزارش نشست "آزادی مسئولانه و تعطیلی رسانه‌ها"

اسفند ۹۲

نشست تخصصی "آزادی مسئولانه و تعطیلی رسانه‌ها" با حضور تنی چند از اساتید رسانه و مدیران مسئول مطبوعات، در واپسین روزهای سال ۱۳۹۲ توسط دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها برگزار شد. در این نشست تخصصی که یکشنبه، ۲۵ اسفند ماه در محل کتابخانه دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد، موضوع‌هایی مانند معنای آزادی، دلایل توقیف رسانه‌ها، خلأهای قانونی، تدوین کردن یک نظام حقوقی مدون و تاریخ توقیف مطبوعات مطرح شد. هادی خانیکی، سیدفرید قاسمی، حسن نمک‌دوست تهرانی، مجید رضائیان، امیدعلی مسعودی، الیاس حضرتی، سیدمحمود دعایی، کامبیز نوروزی، محمدمهدی فرقانی، امیر محبیبان و محمد سلطانی فر سخنرانان این نشست بودند. همچنین حسین انتظامی، معاون مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، از میهمانان این نشست تخصصی بود. گزارش زیر چکیده نقطه‌نظرها و بحث‌های کارشناسی مطرح شده در این نشست دوساعته است که با استقبال اصحاب رسانه و پژوهش‌گران حوزه رسانه روبه‌رو شد.

توقیف سبب رشد رسانه‌های مجیزگو می‌شود

محمد سلطانی فر: متأسفانه تعطیلی رسانه‌ها هر روز سایه‌اش را بیشتر بر سر مطبوعات کشور پهن می‌کند و ما نمی‌دانیم آیا چنین مجازاتی قابل جایگزینی هست یا خیر. این حق رسانه‌هاست که با توجه به تکثرشان از آزادی نسبی برخوردار باشند.

موضوعاتی که امروز در این نشست مطرح می‌شود، این است که آیا رسانه‌ها قابلیت کنترل توسط دولت‌ها را در درون خود دارند؟ آیا رسانه‌ها در قبال آنچه می‌نویسند مسئول هستند یا خیر و آیا این مسئولیت، آزادی‌شان را سلب می‌کند؟ حدود آزادی رسانه‌ها باید تا کجا باشد؟ دیدگاه‌های مختلفی در زمینه آزادی رسانه‌ها و مسئولیت آن‌ها وجود دارد؛ نخست آنکه مردم

خودشان آنقدر فهم دارند که می‌توانند خوب را از بد تشخیص دهند و نیاز به کنترل آن‌ها نیست. در دیدگاه دوم، رسانه‌ها با در نظر گرفتن منافع ملی قادرند با رعایت مسئولیت‌های اجتماعی از سوءاستفاده‌های احتمالی جلوگیری کنند و در این شرایط، اگر رسانه‌ای اشتباه کرد، ناخودآگاه با بی‌مחلی مخاطب روبه‌رو می‌شود. از آنجا که امروز تولیدکنندگان پیام مردم هستند امکان هر نوع سوءاستفاده‌ای می‌تواند وجود داشته باشد و هر چقدر هم مکانیزم‌های مختلفی برای کنترل پیام به‌کار گرفته شود، باز هم پیام منتقل خواهد شد. حال این پرسش به‌وجود می‌آید، در فضای web2 که مردم تولیدکننده پیام هستند چه کسی باید کنترل پیام را در دست داشته باشد؟ مردم، نهادهای صنفی یا حکومت؟!

فضایی که از پس تعطیلی هر رسانه به‌وجود می‌آید، سبب هدر رفتن سرمایه‌های فکری، پیوستن روزنامه‌نگاران به خیل بیکاران، افزایش فضای شک و میل به خودسانسوری و عدم امنیت می‌شود. رشد رسانه‌های مجیزگو و پایین‌بودن عمر مطبوعات که در سال‌های اخیر به‌شدت شاهد آن بوده‌ایم، از دستاوردهای همین اتفاق است.

می‌توان راهکارهایی برای جلوگیری از به‌وجود آمدن چنین فضایی پیش‌بینی کرد. باید فضایی را ایجاد کنیم که اگر رسانه‌ای تخلف کرد، بتواند در آن فضا اشتباه‌های خود را جبران کند و به سامان‌دهی آن اشتباه‌ها پردازد. همچنین مسئولان، آستانه تحمل خود را بالا ببرند. اگر رسانه‌ای درپی اولین اشتباه تعطیل شود، مردم به‌دنبال آن می‌روند که ببینند آن رسانه چه چیز را منتشر کرده و این، همان "تشویش‌آذهان عمومی" است. انسان حریص است نسبت به چیزی که از آن منع می‌شود و اگر ما بلافاصله با رسانه‌ای برخورد کنیم، پیامی که به دنبالش بودیم اتفاق نیفتد، گستره بیشتری پیدا می‌کند. مراحل اولیه برخورد می‌تواند با تذکر شکل گیرد، در مراحل بعدی می‌تواند با افشاگری توسط نهادهای مدنی و صنفی و همچنین تذکرات تندتری صورت گیرد. آخرین مرحله بستن روزنامه و یا هر رسانه‌ای است. دوستان اگر اجازه دهید بگذاریم که همه اساتید و بزرگان و اصحاب قلم این فضا را دنبال کنند و در نقطه‌نظرهایی که هر کدام از دوستان دارند بحث کنیم شاید بتوانیم از دل این‌ها راهکار بهتری پیدا کنیم.

روزنامه‌نگاری ما ساختار حرفه‌ای ندارد

محمد مهدی فرقانی: روزنامه‌نگاری ما با وجود ۱۷۰ سال قدمت، هنوز حرفه‌ای نیست و ساختارها و نهادهای لازم آن شکل نگرفته‌اند. در نتیجه، ما یک روزنامه‌نگاری به‌حال خود رها شده داریم. بنابراین، هر کسی به خود اجازه می‌دهد تا با نهاد رسانه، برخورد و برای آن تعیین تکلیف کند. تصور غالب در برخی دولت‌مردان ما این بوده که اگر اعتماد مردم نسبت به آن‌ها کم است، دلیلش رسانه‌ها هستند. بنابراین تلاش کردند که اعتماد مردم را نسبت به رسانه‌ها سلب کنند تا اعتماد مردم به آن‌ها بیشتر شود. دولت‌مردان ما اندیشیدند اگر بگویند روزنامه‌نگاران افرادی بیگانه و مزدور هستند، در نهایت، اعتماد عمومی را نسبت به دولت بالا

می‌برند. در حالی که تحقیقات چیز دیگری را نشان می‌دهد. با توجه به خاستگاه تاریخی مطبوعات، همیشه رابطه مستقیمی میان اعتماد مردم به رسانه‌ها و اعتماد مردم به دولت وجود داشته‌است. تحقیقات نشان می‌دهد که هرگاه رابطه دولت و ملت خوب نبوده، رابطه مردم با رسانه‌ها نیز خوب نبوده‌است. در صورتی که هرگاه رابطه مردم با رسانه‌ها مناسب بوده، ضریب امنیت اجتماعی و اعتماد عمومی به دولت بیشتر بوده‌است. چنین نتیجه‌ای نشان می‌دهد که دولت‌مردان ما باید زمینه اعتماد مردم را به رسانه‌ها بیشتر فراهم کنند. ساختار حرفه‌ای، ارکان ویژه خود را دارد.

آموزش تخصصی، وجود تشکل‌های صنفی، استقلال حرفه‌ای، امنیت شغلی، استقلال اقتصادی، وجود نظام پرداخت مشخص، شورای عالی مطبوعات و میثاق اخلاق حرفه‌ای از جمله این ارکان هستند که تحقق آن‌ها، در نگاه کلان به نفع دولت و جامعه است.

روزنامه‌نگاری جزو مشاغل لرزان است

هادی خانیکی: مشکل اصلی اینجاست که ما ارزیابی درستی از موقعیت مطبوعات در نظام اطلاع‌رسانی کشور نداریم. به عبارت دیگر تخمین نادرستی از وضعیت کمی و کیفی مطبوعات وجود دارد. طول عمر مطبوعات ما بسیار کم است و تاریخ مطبوعات نشان می‌دهد که روزنامه‌نگاری ما جزو مشاغل لرزان به‌شمار می‌رود. ما در ابتدا باید بدانیم که مشکل رسانه‌های ما کجاست. مشکل اصلی رسانه‌های ما این است که ما ارزیابی درستی از موقعیت مطبوعات در نظام اطلاع‌رسانی نداریم. برخی دیدگاه‌ها در حکومت نقش مطبوعات را بیش از آنچه که هست، می‌دانند؛ بنابراین با اشتباه آن‌ها، بزرگ‌تر از حد واقعی رفتار می‌کنند.

ما تاکنون دچار یک سوءتدبیر و سوءتفاهم درباره جایگاه تاریخی مطبوعات بوده‌ایم. ما نمی‌دانیم مطبوعات ما عقلانیت جامعه را بیشتر می‌کنند یا زاده هیاهو هستند. همچنین سنت و تبار مطبوعات موضوع دیگری است که نشان می‌دهد طول عمر مطبوعات ما هیچ‌گاه به درازا نینجامیده‌است.

ما موضوع مطبوعات را ملی نمی‌دانیم و این، شاید به این دلیل است که بدبینی و سوءظنی نسبت به مطبوعات وجود دارد. بنابراین تلاش می‌کنیم ساده‌ترین و سریع‌ترین راه‌حل را در برابر اشتباه‌های رسانه‌ها به‌کار گیریم و می‌اندیشیم این راه، درست‌ترین راه است. اگر بتوانیم درباره مشکل مطبوعات تفاهم داشته باشیم، آن‌گاه می‌توانیم مسئولیت تک‌تک نهادهای صنفی، مطبوعاتی و حکومتی را تعریف کنیم. اشتباه‌کردن لازمه کار مطبوعاتی است. توقیف مطبوعات، اتفاقی است که به شغل نهاد مطبوعات و سرمایه‌های اجتماعی و حتی به خود حکومت ضربه می‌زند.

فضای رسانه‌ها به شدت سیاست زده‌است

امیر محبیان: می‌گوییم پاسخ‌گویی، اما پاسخ‌گو به چه کسی؟ پاسخ‌گو به خود، یعنی پایبند بودن به اصول اخلاق حرفه‌ای. پاسخ‌گو بودن به مسئولان نیز به معنی پاسخ‌گویی به قوانین به‌شمار می‌رود. قسمت دیگر پاسخ‌گویی به خدا و شرع است. وقتی رسانه‌ای را تعطیل می‌کنیم، چه در ذهن می‌گذرد که اقدام به تعطیلی آن کرده‌ایم؟ آیا رسانه را یک بنگاه اقتصادی، یک بنگاه سیاسی یا به‌مثابه یک جریان فکری می‌دانیم؟ در حالت اول کافی است که مکانیزم‌های مالی آن رسانه کنترل شود که این اتفاق، موجب می‌شود رسانه به‌صورت خودبه‌خود تعطیل شود. در حالت دوم، اگر یک رسانه را نهادی سیاسی بدانیم طبیعتاً همه رفتارهای آن را سیاسی تلقی می‌کنیم و در مجازات نیز با آن سیاسی برخورد می‌کنیم. اگر رسانه‌ای مجرای فکری باشد، به هیچ عنوان نمی‌توان با آن برخورد کرد مگر از مجرای فکر؛ حتی تعطیلی آن رسانه نمی‌تواند تأثیری در شرایطش بگذارد و حتی گاهی موجب قدرتمندتر شدن آن رسانه نیز می‌شود. فضایی که رسانه‌ها در آن تنفس می‌کنند به شدت سیاست زده‌است، چنین فضایی باعث می‌شود که رسانه‌ها همیشه مورد اتهام قرار گیرند و با منطق صفر و یک با آن‌ها برخورد شود. زمانی، آواتوریسم یا همان «ماجراجویی رسانه‌ای» صورت گرفت که به دلیل خامی در برخورد مسئولان، آن افراد مشهورتر شدند. چنین روندهایی باید اصلاح شود.

حفظ اعتماد و تدوام یک رسانه پرهیز از تندروی است

محمود دعایی: در سال ۱۳۵۲ وقتی امام (ره) می‌خواستند دو رسانه اصلی کشور را نجات دهند، توصیه‌هایی را به روزنامه‌های کیهان و اطلاعات کردند. نخست آنکه بی‌طرفی را رعایت کنید و به حق افراد توجه داشته باشید. آنچه می‌تواند اعتماد و دوام یک رسانه را حفظ کند، پرهیز از تندروی است.

اموال مصادره شده این دو رسانه در اختیار مستضعفین قرار گرفته بود و ایشان تأکید داشتند که شما باید در خدمت رسانه‌ها باشید، در خدمت این جامعه باشید. رسالت اساسی شما این است که مشکلات جامعه را رصد کنید و به‌عنوان کسی که مسئولیت دارید در قبال انحرافات، در قبال کج‌رفتاری‌ها نوعی صیانت کنید.

وی با اشاره به تجربه تأسیس گروه‌های نظارتی در مصر گفت: حسین هیکل مشاور جمال عبدالناصر به وی توصیه کرد که به‌جای تأسیس گروه‌های نظارتی بسیار، رسانه‌های مستقل را تأسیس کند که کج‌رفتاری‌ها را ببیند. خود وی نیز روزنامه *الاهرام* را تأسیس کرد.

من می‌خواهم نکته‌ای فراتر از همه این‌ها عرض کنم. آنچه که می‌تواند اعتبار، دوام، و اصالت یک رسانه را حفظ کند پرهیز از کندروی و تندروی است. «مولا علی» (ع) می‌فرماید: «الیمین و الشمال مضله والطریق الواسطی هی الجادة» اگر میانه‌رو بودید، اگر تندروی نکردید و

اگر صادفانه عمل کردید دوام خواهید داشت. من کمتر از آن هستم که به‌عنوان یک عنصر دائم‌المتخصص در این‌باره صحبت بکنم. آقای دکتر خانیکی بسیار زیبا صحبت کردند. دیگران هم صحبت‌های خوبی خواهند داشت و ما هم بهره خواهیم گرفت. اشتباه در یک رسانه گاهی ناگزیر است نمی‌توانیم بگوییم که یک رسانه نمی‌تواند اشتباه کند. منتهی اشتباه داریم تا اشتباه. من به عنوان مزاح یکی از اشتباهات را برایتان تعریف می‌کنم؛ البته این اشتباه در روزنامه *اطلاعات* واقع نشد. مرحوم آقای پورگل نماینده بندر انزلی بودند، و آن موقع آقای حسین کمالی هم وزیر کار بودند. بنا بود در مراسمی در بندر انزلی پانصد هزار تخم ماهی کپور را در حضور آقای حسین کمالی و نماینده منطقه پورگل به دریا بریزند. خبر اینطور تنظیم شد: «در حضور پانصد هزار تخم ماهی کپور، آقایان حسین کمالی و آقای پورگل را به دریا ریختند.»

عقده‌ها به خط قرمز تبدیل شده‌است

الیاس حضرتی: خط قرمزها به تعداد اختلاف سلیقه‌ها زیاد شده و گاهی عقده‌ها به خط قرمز تبدیل شده‌است، بنابراین نیاز است که خطوط قرمز رسانه‌ها استانداردسازی شود. ما تکلیف خود را در خیلی از موضوعات نمی‌دانیم؛ مثلاً به احزاب به‌عنوان یک پدیده و موضوع زائد نگاه می‌کنیم که کلاً باید حذفش کرد. چنین نگاهی درباره رسانه‌ها نیز وجود دارد و از آنجا که نمی‌توانیم با آن‌ها کنار بیاییم یا به‌طور کامل حذفشان کنیم، به‌صورت کج‌دار و مریز با آن‌ها رفتار می‌کنیم. دائماً دنبال بهانه هستیم که با این بچه ناخواسته (رسانه) برخورد کنیم و بهترین راه را تعطیلی رسانه‌ها می‌بینیم؛ اما چرا باید یک رسانه تعطیل شود، مگر صداوسیما تعطیل می‌شود؟! اگر در مجموعه‌ای تخلفی صورت گیرد ابتدا باید جریمه کنیم، سپس تذکر دهیم، در مرحله بعدی مدیرمسئول را ببریم وسط میدان انقلاب شلاق بزنیم، در مرحله بعد مدیرمسئول را حذف کنیم و براساس همین سلسله‌مراتب رفتار کنیم. بهانه‌گرفتن برای تعطیلی رسانه‌ها موجب شده‌است که هیچ ثباتی در کار رسانه‌ای وجود نداشته باشد و هیچ شخصی حاضر به سرمایه‌گذاری در حوزه رسانه نشود.

حکومت به کدام مسئولیت خود درباره رسانه‌ها عمل کرده‌است؟

حسن نمک‌دوست تهرانی: خوشحالم که برای نخستین‌بار موضوع توقیف رسانه‌ها مورد بحث قرار می‌گیرد، چون هیچ‌گاه چنین جرئتی وجود نداشته‌است. ما باور داریم که ساختار رسانه‌ای ایران توسعه نیافته‌است و اگر بخواهیم یک کلیدواژه برای این توسعه‌نیافتگی پیدا کنیم، آن واژه «توقیف» است. هزینه‌ای که حکومت در مقابل مسئولیت‌های مطبوعات می‌دهد چیست؟ حکومت تا کنون به کدام یک از مسئولیت‌های خود در زمینه مطبوعات عمل کرده‌است؟ اولین موج تعطیلی مطبوعات در ایران مردادماه ۱۳۵۷ و آخرین آن حدود یک‌ماه پیش اتفاق افتاد و میان این دو، ۳۵ سال فاصله است. این نشان می‌دهد که حکومت ما در مدیریت جامعه ضعف

دارد و به نظر می‌رسد این فضا و بحثی که رئیس‌جمهور در روز پایانی جشنواره مطبوعات مطرح کرد، کمک بزرگی است تا چنین موضوعی آسیب‌شناسی شود. فراگیرترین و نه مهم‌ترین رسانه‌های ما کاملاً حکومتی هستند. بزرگ‌ترین خبرگزاری‌ها، روزنامه‌های اصلی، بازارهای تبلیغاتی و مصرف‌کنندگان رسانه‌ها حکومتی هستند. بنابراین اگر دعوایی هم وجود دارد، دعوای بخشی از حاکمیت با بخش دیگری از آن است و آزادی مسئولانه در این میان قربانی شده است. من اشاره به صحبت‌های آقای محبیان درباره آواتوریسم می‌کنم: آواتوریسم نشانه بیماری دوران کودکی مطبوعات است، نه دوران توسعه‌یافتگی. چه کسی مسئول توسعه‌نیافتن و طفولیت در مطبوعات است؟ اگر دولت دست بالا را دارد چرا پاسخ نمی‌دهد؟ مسئولیت توقیف با کیست و دستاوردش تا کنون چه بوده است؟ نگاهی اساسی که باعث می‌شود حکومت، رسانه‌ها را در حد بوق و بلندگو ببیند، این است که ما در میان بایدها و نبایدهایی که برای رسانه‌ها به کار گرفته‌ایم، هیچ‌گاه عبارت "نظارت بر رفتار حکومت" را ندیده‌ایم. مطبوعات بوق نیستند، بلکه ابزارند. مطبوعات به‌وجودآورنده محصول، شاخص و توسعه آزادی هستند.

جامعه مطبوعات عهده‌دار آزادی این جامعه است

امیدعلی مسعودی: آقای دکتر نمک دوست فرمایشاتی را فرمودند که شاید این‌گونه استنباط شود که در کشورهای دیگر دولت‌ها در کار مطبوعات دخالتی ندارند؛ در حالی که این‌گونه نیست. به شهادت کتاب‌هایی که در همین قفسه‌ها موجود است؛ در کشورهای که خیلی دم از آزادی می‌زنند وقتی که پشت صحنه مطبوعات را می‌بینیم، می‌بینیم که آن‌ها شرکت‌های صهیونیستی هستند. حتی کشورهایی که دم از آزادی می‌زنند، در کار رسانه‌ها دخالت می‌کنند.

ما هنوز یک تعریف درست در مورد خبرنگار نداریم و تعاریف ما در مجموع درست نیست. مدیران مسئول نمی‌دانند باید با چه کسی کار کنند.

من با بخش اعظم صحبت‌های ایشان موافقم که ما در خیلی از مسائل باعث شدیم که انگشت اتهام به سمت ما باشد. ما باید در سیاست‌های ارتباطی مان تجدیدنظر کنیم. ما هنوز دنبال این هستیم که آنچه را که در مطبوعات چاپی هست برای مطبوعات الکترونیکی هم بخواهیم. متأسفانه هر قانونی که آمده می‌آید سازمان صداوسیما را جدا می‌کند. نشریات الکترونیکی و مکتوب را از هم جدا می‌کند.

من فکر می‌کنم از طریق گفت‌وگو می‌توانیم راه‌حلی پیدا کنیم که این دغدغه‌ها برداشته شوند. به نظر من تکلیف آزادی مطبوعات به عهده دولت نیست. به عهده خود ما مطبوعاتی‌هاست. تا زمانی که نتوانیم نظام صنفی مان را شکل بدهیم، تا زمانی که نتوانیم آن ایده مشترکمان را که شورای عالی مطبوعات است شکل بدهیم، این مشکلات وجود دارد. این مشکلات را هم فقط معاونت مطبوعاتی نمی‌تواند حل کند. همه ما باید به هم کمک کنیم؛ البته دولت هم وظایفی دارد که انشاء... باید به وظایفش عمل کند.

توقیف، کمال بی‌اعتدالی است

سیدفرید قاسمی: نماینده‌های دوره اول مشروطه به سراغ مهدی‌قلی هدایت — وزیر علوم دوران مشروطه — رفتند و او را به مجلس خواندند تا با هم درباره قانون مطبوعات سخن بگویند. وزیر علوم در همان زمان درباره توقیف مطبوعات گفت که توقیف، کمال بی‌اعتدالی است. اگر برای هر چیز کوچکی روزنامه توقیف شود ظلم است. ما ۱۷۸ سال تاریخ مطبوعات و روزنامه‌نگاری داریم و ۱۴۸ سال پیشینه توقیف. در سال ۱۲۸۳، ناصرالدین‌شاه با دیدن روزنامه ملتی گفت که توزیع نشود. همین دو کلمه زمینه توقیف را فراهم کرد. اما نکته‌ای که در توقیف نخست دیده می‌شود، این است که شماره جایگزین آن توزیع شد و ناصرالدین‌شاه نگفت که روزنامه کلاً تعطیل شود. ما در ۳۰ سال اول تاریخ مطبوعات، توقیف نداشتیم. پس از آن هم به مدت ۴۰ سال فقط شاه و فرزندان او بودند که دستور توقیف می‌دادند، بعد از آن نیز برای ۷۰ سال، توقیف دائمی صورت نگرفت. پس از صدور فرمان مشروطه نیز در نخستین مباحث قانون مطبوعات تا مدت‌ها، سخنی از تعطیلی و توقیف نبود و پس از مدتی که بحث توقیف پیش آمد، مخالفان زیادی با چنین طرحی وجود داشتند که برجسته‌ترین آن‌ها از علمای مجتهد بودند. به طور کلی توقیف‌خواهان و تعطیل‌گرایان هم دو عقیده داشتند. عده‌ای به تک‌شماره و گروهی به تعطیل با برداشتن. اما تعطیل‌باوران همیشه و از جمله در مجلس اول عده‌ای انگشت‌شمار بودند. همواره بیشتر قانون‌گذاران در آن دوره باور به تعطیلی نشریه و بیکاری همه کارکنان نداشتند؛ البته در هر دو طرف افراطی‌هایی بودند؛ هم نمایندگان و هم روزنامه‌نگاران. نمایندگان افراطی می‌گفتند این‌ها می‌خواهند اساس را بر هم بزنند و روزنامه‌نگاران افراطی هم می‌گفتند برای کله‌پزها تا دیزی‌فروش‌ها قانون بنویسید؛ سر آخر نیز برای مطبوعات هم قانون بنویسید. نمایندگان و روزنامه‌نگاران معتدل همه تلاششان این بود که قانونی در مجلس مصوب شود که پاسدار حقوق روزنامه‌نگاران و عدم تعطیل و توقیف شود.

سرگذشت ارتباط متقابل قوه مقننه و رکن چهارم را در مقدمه کتاب اسناد روزنامه‌نگاران و مطبوعات آورده‌ام. همچنین در کتاب دیگری به عنوان سیر تاریخی مجموعه قوانین مطبوعاتی ایران می‌توان به نکته‌هایی دیگر رسید. به طور مختصر عرض این است که گویا توقیف در باور دینی و حقوقی بر شخص حقیقی جایز نیست. بر شخص حقیقی چنانچه جایز باشد بر حقوقی روا نیست و ممنوع شده و پیشنهاد می‌شود ممنوعیت توقیف و تعطیل در قالب لایحه‌ای مصوب هیئت دولت به مجلس تقدیم شود. هیچ کس مدافع خاطی نیست. همه بر این باورند که خاطی باید در برابر خطای خود پاسخگو باشد. اما تسری مجازات به همه همکارانمان و بیکاری آن‌ها به نظر می‌رسد شرعی باشد و نه قانونی. از جریمه نقدی تا سلب صلاحیت مدیر مسئول می‌تواند جایگزین شود. تعویض مدیر به جای توقیف نشریه یکی از راهکارهاست.

انتقاد سازنده نداریم

مجید رضاییان: ما باید موضوع توقیف را در دو فصل مبانی و چالش‌های درون‌رسانه‌ای و برون‌رسانه‌ای ببینیم.

رسانه ابتدا باید تعریف شود و تعریف اصلی رسانه یعنی آزادی بیان. در تاریخ شوروی سابق، اگر می‌خواستند برخی واژه‌ها را محدود کنند، چیزی به آن اضافه می‌کردند. مثلاً می‌گفتند "انتقاد سازنده" در حالی که انتقاد، انتقاد است. حالا درباره‌ی عنوان این نشست نیز چنین تعبیری اتفاق افتاده‌است، آزادی رسانه‌ها، آزادی رسانه‌هاست و مسئولانه و غیرمسئولانه ندارد. اضافه کردن یک واژه به واژه دیگر نشان می‌دهد که ما هنوز در باور خود تردید داریم. به دلیل وجود نداشتن احزاب، روزنامه‌نگاری ما به یک روزنامه‌نگاری سیاسی، رسمی و دولتی تبدیل شده‌است، البته من به هیچ عنوان نمی‌گویم که روزنامه‌نگاری دولتی نباید وجود داشته باشد؛ اما می‌گویم اگر آزادی بیان را بپذیریم، فقط روزنامه‌نگاری دولتی را نمی‌شناسیم. باید موضوع احزاب حل شود تا بتوانیم به نقطه‌ای برسیم که روزنامه‌ها نقش احزاب را بازی نکنند. دانش روزنامه‌نگاری در کشور ما شاخصه‌های خود را پیدا نکرده‌است و روزنامه‌نگاری ما باید پیشرفت کند.

توقیف رسانه‌ها منسوخ شده‌است

کامبیز نوروزی: قوانین معمولاً به شدت تحت تأثیر مناسبات اجتماعی هستند. به همین دلیل است که هر جامعه‌ای خصوصیت خود را دارد. بنابراین اگر در بحث‌های قانونی بخواهیم از فرانسه یا عربستان بگویم، راه اشتباه رفته‌ایم. ما باید ببینیم خودمان چه کرده‌ایم. ما از آنچه به عنوان حقوق مطبوعات می‌شناسیم چه داریم؟ قانون مطبوعات ایران در میان قوانین موضوعی، جزو قدیمی‌ترین قانون‌ها دسته‌بندی می‌شود. نخستین قانون مطبوعات در سال ۱۲۸۶ به تصویب رسید و از همان زمان، یک دوگانگی بین بخش رسانه و بخش حکومت برقرار شد. دولت در طول این سال‌ها همیشه نسبت به رسانه‌ها نگاهی بسته و از سوی دیگر، جامعه مدنی نگاهی باز و خواهان، نسبت به آن‌ها داشته‌است. گویا در ایران، نظام سیاسی باید کشف و قوس‌های متعددی را قبول کند تا بتواند رسانه‌ها را بپذیرد. در حال حاضر ما با دو نظام هنجاری و عنفی روبه‌رو هستیم که هر دو ارزش حقوقی دارند؛ نظام معمولی رسمی حکومت و نظام فعالان رسانه، دو نظامی هستند که ما با آن‌ها روبه‌رو هستیم. تمام وقایع مطبوعات ایران و بحث‌هایی که درباره‌ی آن شده، در دوره قانون مطبوعات سال ۱۳۶۴ است. متأسفانه ما یک متن حقوقی بیشتر نداریم، اما با همین متن در دوره‌ای، مطبوعات بسته می‌شوند و با همین متن در دوره‌ای دیگر، مطبوعات توسعه پیدا می‌کنند. قاعده چنین بازی‌ای در رسانه‌های ایران استقرار پیدا کرده، اما بخش‌هایی از نظام سیاسی که به بازی رسانه‌ها تمایلی ندارد، به جای بازی، جاهایی خلاف قاعده و عرف رفتار می‌کند و در اینجاست که دولت نقش هیچ‌کاره را در افکار

عمومی پیدا می‌کند. مجازات زمانی قابل اعتناست که اثربخشی داشته باشد. من با پدیده‌ای به‌عنوان جرم مطبوعاتی مخالف‌ام و چنین اتهامی فقط در مواردی قابل پذیرش است که عمدی باشد. برخی پدیده‌ها ذاتاً پرخطر هستند، مثل داشتن اتومبیل؛ به همین دلیل است که دارندۀ اتومبیل در یک تصادف صرفاً جبران خسارت می‌کند، کار رسانه نیز به همین شکل همواره کاری پُر از خطر و اشتباه است و باید با نگاه جبران خسارت به اشتباه‌های آن نگاه شود.

تعداد دعاوی ما در حوزه رسانه بسیار زیاد است

باقر انصاری: به چند دلیل باید از بیان‌های سیاسی حمایت شود و اشاره خواهم کرد حتی در کشورهای آفریقایی، آسیایی، هند، کره جنوبی و بعضی از کشورها در مورد بیان‌های سیاسی تقریباً به سمت آزادی مطلق حرکت می‌شود و از سمت آزادی مسئولانه هم بحث فراتر می‌رود. به سه دلیل گفته می‌شود که بیان‌های سیاسی باید آزاد باشند. اولاً بیان‌های سیاسی جزء تعریف بیان‌هایی هستند که آنچنان اهمیت دارند که نتایج آن به تمام بخش‌های جامعه اثر می‌گذارد. برای مثال بیان‌هایی که در زمان انتخابات صورت می‌گیرد می‌تواند بر نتیجه انتخابات اثر بگذارد. نتیجه انتخابات می‌تواند بر حوزه کار، دانشگاه‌ها، دانشجویان، اساتید و حوزه‌های مختلف اثر گذارد. بنابراین کنترل بیان سیاسی ممکن است که کنترل رقابت‌های سیاسی، کنترل نتایج رقابت‌های سیاسی باشد و آثاری به بار آورد که جبران آن ممکن است چهار سال، پنج سال یا هشت سال طول بکشد. به همین دلیل گفته می‌شود بیان‌های سیاسی اهمیت مضاعف دارند. دوم بیان سیاسی راجع به دولت و دولت‌مردان است. کسی که وارد عرصه سیاست می‌شود طبیعتاً بیشتر ادعا می‌کند که از جانب دیگران حق تصمیم‌گیری دارد. به همین خاطر می‌گویند که این شخص باید این ادعای خودش را اثبات کند و اثبات این بحث هم لازم‌اش این است که باید در مقابل انواع سؤال‌ها، کنجکاو‌ی‌ها و سؤالات بی‌ربطی که پرسیده می‌شود قدرت پاسخ‌گویی داشته باشد، قدرت تحمل داشته باشد. سوم اینکه دولت و مقامات دولتی تربیون دستشان است. اگر شما درباره یک مقام دولتی حرفی بخواهید بزنید، انتقادی کنید، اصلاً خلاف واقع باشد، برای مثال بگوییم نشر اکاذیب، این مقام دولتی بلافاصله می‌تواند تکذیبش کند. بلافاصله می‌تواند توضیح دهد. برای شهروندان تربیون نداریم. شما اگر به‌عنوان یک فرد عادی بخواهید صحبت کنید مجبورید بروید و دادگستری شکایت کنید. ولی مقامات دولتی خیر. به راحتی می‌توانند آن بیان‌هایی که گفته می‌شود اصلاح کنند، توضیح بدهند. پس، بیان‌های سیاسی اهمیت فوق‌العاده‌ای دارند. متأسفانه عدم درک جایگاه بیان‌های سیاسی باعث شده در کشور ما بیشترین دعاوی شاید بگوییم مهم‌ترین دعاوی علیه رسانه‌های ما اقامه شود من این را به تحقیق عرض می‌کنم در هیچ کشوری به اندازه کشور ما مقامات دولتی علیه همدیگر طرح دعوی نمی‌کنند. در هیچ کشوری وزیری علیه نماینده مجلسی یا قوه قضائیه یا دولت علیه دولت طرح دعوی نمی‌کند. دولت خودش یک شخص بیشتر نیست ولی تعداد دعاوی ما در حوزه رسانه بسیار زیاد است.

حسین انتظامی، معاون مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نیز که از جمله میهمانان این نشست بود، در پایان اظهار کرد: امیدوارم این مباحث به مطالبه عمومی تبدیل شود و از دل آن یک نظام حقوقی بیرون آید. وقتی ما به کرسی‌های آزاداندیشی معتقد هستیم، یکی از پایه‌های آن، برگزاری همین نشست‌هاست.

